

### تشکر و قدردانی از بهورزان، مدیر و مربیان بازنشسته

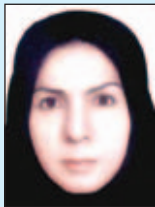
#### بهورزان

عزیز جوادی، گلناز نوره‌زاده، صبیحه مرادی‌نژاد، علی بهرامی، نصرت شاکرمی از دانشگاه ایلام محمدباقر صفاپور، فرحناز خزایی، شمسعلی فامیلی، ناهید رضا جانی از دانشگاه همدان

#### مدیر و مربیان

اروج آقامحمدی از دانشگاه اردبیل به افتخار بازنشستگی نایل شده‌اند. ضمن تبریک و قدردانی از زحمات آن‌ها، تندرستی و اجر خدمت سی ساله را از درگاه خداوند متعال برای آنان و خانواده محترم‌شان آرزومندیم. در گذر زمان، ثانیه‌ها به مانند برق و باد سفر می‌کنند و روزگار کار و تلاش همکاران مان، با قدم‌نهادن در آستانه بازنشستگی، به مرحله حضور و فعالیت در عرصه‌های اجتماعی دیگر پیوند می‌خورد و آنچه ماندگار است، طرحی از خاطرات سبز و پرافتخار است که در صندوقچه ذهن مان یادگار می‌ماند.

بهورزی و موفقیت را برای همکار عزیزمان سرکار خانم عزتی کارشناس مسؤول آموزش بهورزی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه که به افتخار بازنشستگی نایل شده‌اند آرزومندیم و از تلاش‌های بی‌دریغ ایشان در تحقق اهداف فصلنامه بهورز و در ارتقای علمی و فرهنگی بهورزان صمیمانه سپاسگزاریم.



#### فریبا عزتی

رابط فصلنامه بهورز

### برترین‌ها در آزمون جامع بهورزی و فصلنامه بهورز

همدان: بتول شهبازی، میثم رضایی، عباس سلیمی، فریده سلطانی، الهام اسماعیلی، فاطمه فرهادی (اسدآباد) مهین جباری (بهار) زهرا جعفر خواه، معصومه مرادی، سکینه جوانجو، ربابه رحیم‌دوست، حسن رفیعی، صغری شوریده، رحمت‌اله ترابی، امیراله فرامرزی، نورعلی محمدی، علی بخش زیوری، ابوالقاسم زارعی، نصراله فخریان، مریم محمدی جنان، محمد شکوهی، رقیه بهرامی گندوزی، زیبا رضایی شوکت، فاطمه ایپکی (کبودرآهنگ) معصومه خسروی تمدن، حوریه عیوضی، علی کوچک، محمدصادقی ابراهیمی (فامنین)

شهرید بهشتی: وحیده قمبری (پاکدشت) فاطمه طریقت، پروانه کریمی، حمیدرضا غلامی (دماوند) فاطمه کیانی (شمیرانات) سیما محمودی، فاطمه مقدس‌نیا (فیروزکوه) سعید محمودخانی (شهریار)

اراک: برگزاری آزمون جامع بهورزی و اعزام نفرات برتر به مشهد مقدس

### ازدواج عزیزان

اسامی ذیل عزیزانی هستند که سنت پیامبر (ص) را پاس داشته و تشکیل زندگی مشترک داده‌اند. به این دوستان تبریک و تهنیت گفته و برای‌شان سلامت، خوشبختی و سعادت آرزومندیم.

ایلام: عزت اله خسروی، فاطمه باباخانی (دره‌شهر)

کرمانشاه: پریزاد عزیزی، فرزانه آرام (سرپل ذهاب)

بیرجند: سمانه زنگویی، راضیه عبداله‌هی، آسیه خاتمی‌نیا، مرتضی علیزاده، سعید محمدی

لرستان: کبری شهریاری، آمنه نظری، جمیله حیدری، فاطمه نقیبی، حانی نقیبی،

### بابهورزان

اسامی بهورزان موفق، بهورزان نمونه فصل و بهورزان مبتکر و خلاق، به شرح زیر اعلام می‌شود. از دانشگاه‌هایی که اسامی بهورزان را اعلام کرده‌اند، تشکر کرده و یادآور می‌شویم دانشگاه‌هایی که نامی از آنها برده نشده، هنوز اطلاعات شان به دست ما نرسیده است.

#### بهورزان خلاق و مبتکر فصل

همدان: احترام بنی بیات، لیلا خانمحمدی، قدم خیر مرادی، فاطمه پرویزی (اسدآباد) عطیه احمدوند، معصومه قیاسوند، نادیه رضایی (نهایوند) مجتبی رستمی (ملایر) فاطمه خلج (فامنین) غزل پارسا (همدان) اراک: فاطمه جعفری، یداله متقی (خمین) خدیجه یادگاری (ساوه)

#### بهورزان موفق

همدان: علی مولایی (اسدآباد) امیدزندی، حسین احمدوند، خسرو عباسی، حمیدرضا چهره ولی، کبری بیات (ملایر) حسین نایی فر، یداله رضایی (کبودرآهنگ) محمد تقوی (فامنین) زنجان: ولی اله سرداری، زهرا مظفری، لیلا سرداری، اشرف عباسی، خلیل والی (ابهر) اراک: علی اکبر سعیدی، نادر صادقی (خمین) محمد حساری‌نژاد (خنداب) رضایوسفی (کمیجان) عفت‌عسکری

#### بهورزان نمونه فصل

لرستان: فرانک رضایی (پلدختر) اکرم رضایی، فریده شمس بیرانوند، فریده طاهری (خرم‌آباد) هرمزگان: محمد حاجی پور (پارسیان) زینب دربه (بندر خمیر) منا محمدنژاد (بستک) مرضیه کوهستکی پور (بندر سیریک)

اراک: جمیله دستجانی (تفرش) عباس نعمتی، قاسمعلی بهملی، لیلا محمدرضایی، فاطمه احساندار، سهیلا ملترمی، ابوالقاسم محمدیاری (ساوه) پروانه شاه‌محمدی، علی ترابی (خمین) مریم حسن‌بیگی، عفت آزاد مرزآبادی، مریم صفری، بنفشه مصمصامی (اراک) معصومه کاظم‌آبادی، خوش قدم مرادی مودت، فاطمه خسروبیگی (کمیجان) مریم همتی (آشتیان)، خمین خسرو بیگی، زکیه احمدی، زهرا بارانی حسین آبادی (اراک)

اعضای شورای روستایی و دهیار؛ جلسه‌ای جهت برطرف کردن این مشکل برگزار کردیم. بعد از برگزاری جلسه و بحث و بررسی قرار بر این شد که ۶ تراکتور موجود در روستا و یک تراکتور بیل‌دار هم از روستای نزدیک (توت علیا) قرض بگیریم و بابت هر سرویس ۲ هزار تومان بپردازیم. حدود ۷۰۰ سرویس فصولات طی یک هفته از سطح روستا جمع آوری شد و به زمین‌های کشاورزی اطراف حمل شد.

در اقدام دیگری در سال ۱۳۸۷ هم جلسه شورای بهداشت در خانه بهداشت برگزار شد. افزایش تعداد سگ‌های ولگرد و پیامدهای آن که پاره کردن کیسه زباله و... بود، موضوع جلسه را تشکیل می‌داد. بعد از بحث و بررسی در جلسه قرار شد که من در جلسه‌ای با حضور ۵۰ خانم خانه دار روستا موضوع را مطرح کنم. تعدادی کیسه زباله و دستکش یکبار مصرف نیز تهیه کرده و آنها را در جلسه توزیع کردم. قرار بر این شد که روزهای سه شنبه و جمعه هر هفته تراکتور دهیاری روستا با بوق مخصوص جهت جمع آوری زباله اقدام کند. یک ماه آزمایشی این کار را انجام دادیم که با استقبال بسیار خوب مردم روستا مواجه شدیم و با درخواست مردم از مهر ماه همان سال تا کنون این طرح اجرا می‌شود. جهت دستمزد راننده تراکتور دهیاری منطقه نیز از هر خانوار ماهیانه مبلغ هزار تومان جمع‌آوری می‌شود. به امید آنکه همه روستاها روزی از وجود زباله و فصولات حیوانی پاکسازی شوند.

### همراه با روز ملی بهورز در شهرستان‌ها و استان‌ها

با عنایت به جایگاه ارزشمند و رفیع بهورز در نظام شبکه بهداشتی درمانی و به پاس خدمات دلسوزانه و بی دریغ این عزیزان که علم را با عمل همراه ساخته و با تعالیم خویش چراغ راه سالم زیستن را به دست روستاییان می‌دهند تا با آگاهی و بینش بیشتر قدم در راه خوشبختی بردارند و به پاس قدردانی از این عزیزان هر سال به مناسبت ۱۲ شهریور روز ملی بهورز مراسم‌هایی به صورت جداگانه در شهرستان‌ها و استان‌ها با حضور مقامات سیاسی، اجتماعی و مسؤولان درون بخشی و برون بخشی برگزار

محسن صفری

همدان: مریم روستایی، کتایون سوری، سیدجواد رضانی، نادیه رضایی، وحید غفاری (نهادند) زهرا ارزانی، مرضیه رضایی با مهدی جعفری جوزانی، زهرا رضایی، سعید سلگی، مجید ترکشوند، لیلا جمشیدی (ملایر) صغری شکری، زینب نقوی (فامنین) توکل خانجانی، جواد چنگیزی، زهرا قاسمی (همدان) میثم رضایی (اسدآباد)

نیشابور: حسین دهقان، فرشته خشجان، سیدمرتضی حسینی دوست، مریم رضایی

### مشارکت مردم، رمز توسعه همه جانبه سلامت

خیران سلامت

با خبر شدیم همکاران زیادی از طریق جلب مشارکت مردمی توانسته‌اند نسبت به تأمین وسایلی برای حفظ و ارتقای سلامت جامعه روستایی اقدام کنند. ضمن عرض تبریک و خدقوت به این همکاران پرتلاش، اعضای شورا و نیز مسؤولان و اهالی روستاها برای آنان موفقیت روزافزون و سلامت آرزومندیم. امید است این گونه کارهای عام المنفعه آنان برای همیشه ادامه داشته باشد، زیرا مطمئن هستیم علاوه بر تأمین و ارتقای سلامت جامعه، خداوند منان نیز به آنان پاداش خیر عطا می‌فرماید. شایان ذکر است به دلیل تعدد خیران سلامت از درج اقدام‌های انجام شده آنها معذوریم و از رابطن محترم فصلنامه خواهشمندیم تنها به ارسال نام خیر سلامت اکتفا کنند.

در ضمن در قسمت خیران سلامت اسامی بهورزان و یا سایر اعضای تیم سلامت تحت عنوان همکارانی که در جلب مشارکت مردمی فعالیت کرده‌اند نوشته شده است.

همدان: آرزو فیروزیان، فرحناز یوسف آرا، شاه صنم افشاری، ربابه نجفی، بتول شهبازی، عباس سلیمی، صغری حنفی، صفی‌اله نورمحمدی، محمود صفایی، ناهید فروتن، عقیل سیاح نجاتی (اسدآباد) رضا ترکمان، فاطمه جعفری جوزانی، مبارکه موسوی، فرهنگ جواد (ملایر)

بجنورد: زهرا قربانزاده (قصرقجر)

زنجان: سوسن شقاقی، رضا عابدینی (ابهر) لیلا احمدی، سکینه رضایی (ایجرود)

رفسنجان: حسین صالحی، حاج محمد عبداللهی، منور اسدی، طاهره پورغلامرضایی، محسن ملامهدی زاده

نیشابور: محمد طلایی نسب، محمد سرچاهی، طاهره برجی، طیبه عباسی، مهدی عبدی مشهد: محمد عشقی مفرد، اسداله وطن پرست

### راهیان دانشگاه و کسب مدرک دانشگاهی

با خبر شدیم قدرت اله مرادی، بیژن دانه زن، اسماعیل اکبری، سهیلا رستمی (سرپل ذهاب) از دانشگاه کرمانشاه عزت‌الله خسروی، سلطانه نادی، آذر منتی‌نژاد، مرضیه مرادی (دره شهر) از دانشگاه ایلام فاطمه ملکی بجد، طیبه قلی‌پور، فاطمه راهرو از دانشگاه بیرجند مهوش نوروزی از دانشگاه اهواز موفق به کسب مدرک دانشگاهی شده‌اند. ضمن تبریک از خداوند منان سلامت و موفقیت روزافزون شان را آرزومندیم.

### بهورزان و تجربه‌ها

روستای «گاو میر» از توابع شهرستان دزفول و بخش محروم سردشت است. از سال ۱۳۸۰ در این خانه بهداشت شروع به کار کرده‌ام و چیزی که مرا از قبل از بهورز شدن در روستای محل زندگی‌ام آزار می‌داد، دفع غیر بهداشتی فصولات حیوانی و زباله‌ها در سطح روستا بود. در سال ۱۳۸۴ با ورود تیم سلامت به روستا و

### اقدام انسان دوستانه یک بهروز

آقای خالق علی میرزاخانی بهروز خانه بهداشت ملابقر علیا از توابع شهرستان شازند استان مرکزی با احیای پسر بچه‌ای از طریق تنفس دهان به دهان باعث نجات جان کودک شده است. به این بهروز کوشا و پرتوان که با عمل بموقع و استفاده از معلومات و تجربه خود موجبات نجات جان کودک و شادی خانواده وی را فراهم آورده است آفرین و خدایم می‌گوییم و از هیأت امنای مسجد و اهالی روستا که قدردان زحمات بهروز بوده‌اند، تشکر می‌کنیم.

### بسیج پاکسازی روستا در روز ملی بهداشت محیط (۱۱ اسفند ۱۳۹۱)

هرساله در اسفندماه مردم باتوجه به آداب و رسوم گذشته خود اقدام به خانه تکانی کرده و مواد غیرقابل مصرف را از خانه دور می‌سازند. ولی به پاکسازی

و از بهروزان نمونه شهرستانی، استانی؛ تجلیل می‌شود. از جمله فعالیت هایی که از سوی دانشگاه ها گزارش شده است:

**نیشابور:** برگزاری مراسم روز بهروز همراه با نمایشگاهی از دستاوردهای بهروزان  
**رفسنجان:** تهیه و چاپ ویژه‌نامه سفیر سلامت با عنوان بهروز با شمارگان ۳۰ هزار نسخه  
**ایلام:** برگزاری مراسم روز بهروز و تجلیل از بهروزان نمونه استانی و شهرستانی

### بهروزان و موفقیت‌های ورزشی



کوچه‌ها و معابر توجهی نمی‌شود. روز ۱۱ اسفند به نام روز بهداشت محیط نام‌گذاری شده، اما هرساله با تمام تلاشی که توسط همکاران بهداشت محیط انجام می‌شود، هنوز مردم با این روز مانوس نیستند و در بعضی مواقع خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی درمانی نیز حتی سالی یکبار پاکسازی و نظافت کلی نمی‌شود و به نظر می‌رسد نیاز به حرکتی نوین برای اطلاع رسانی و فرهنگ سازی در زمینه بهداشت محیط است.

برای این کار دانشگاه علوم پزشکی کاشان اقدام به تهیه برنامه عملیاتی بسیج پاکسازی روستا کرده و با حمایت معاونت بهداشتی، مسؤولان بهداشت محیط معاونت و شبکه آران و بیدگل، جلب مشارکت فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها، دهیاری‌ها و شورای اسلامی روستاها و دانش آموزان، این روز را به حماسه‌ای به یاد ماندنی تبدیل کردند.

این دانشگاه با اطلاع رسانی به سازمان‌های مرتبط جهت همکاری، اجرای برنامه‌های پیاده روی خانوادگی سمبلیک، مسابقات ورزشی و اجرای بسیج پاکسازی در این روز، تهیه تراکت و پوستر و برگزاری جلسات آموزشی، تشکیل جلسات شورای بهداشتی جهت هرچه بهتر برگزار شدن این طرح تلاش کردند. این طرح در چند روستا که خانه بهداشت دانش آموزی دارند، برگزار شد به

کاشان: فاطمه معصومی بهروز خانه بهداشت آذران و معصومه گندمی کارشناس آموزش بهروزی صعود به قله دماوند  
قزوین: فاطمه نوری فرزند عصمت بابا، بهروز خانه بهداشت دیال‌آباد کسب مقام سوم قهرمانی وشو

### بهروزان و فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی

**لرستان:** فریده دالوند بهروز خانه بهداشت کله جوب علیا با همکاری اهالی روستا: تهیه مجله دو فصلنامه فرهنگی و اجتماعی روستا

**همدان:** شرکت دانش‌آموزان و مربیان بهروزی در کلاس آداب و اسرار نماز و توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز



و با پزشکان بیمارستان صحبت کردم. وضعیت آن چنان نبود که من امید داشتم. پزشکان خبر مرگ مغزی وی را اعلام و پیشنهاد اهدای عضو کردند. تمام آسمان بر سرم ویران شد. چاره چیست باید کاری می‌کردم. در این دنیایی که زندگی مانند نهی جریان دارد و آدمی را از نوشیدن طعم مرگ چاره ای نیست و عاقبت همه خلایق مرگ است چه خوب که این مرگ با عزت باشد. تصمیم گرفتم که اعضای بدن فرزندم حامل پیام شادی برای چشمانی خیس و منتظر باشد. وقتی هجران، بنیان گرفت باید قلبش در سینه ای بتپد که مفهوم انسانیت همیشه زنده بماند. گذشته از این پیمانم آرزوی پزشک شدن داشت. در کنکور سال ۹۱ رشته داروسازی دانشگاه تهران پذیرفته شد، اما مورد علاقه‌اش نبود. تصمیم گرفت مجدداً تلاش کند. دلیل مسافرتش هم خرید کتب و جزوات کمک آموزشی بود و می‌خواست از شکست، پل پیروزی بسازد، اصلاً خواست خدا بود که او لایق تولدی دوباره شود تا اعضایی که او امین آنها بود، برای زندگی مجدد به دیگری امانت دهد. وقتی تصمیم به اهدا گرفته شد، مضمون بیت زیر را متوجه شدم:

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن  
من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود  
و او رفت که با تن مسیحایی خود جانی تازه به  
جان‌های بیمار ببخشد. باشد که خداوند متعال  
این امر را به نیکی از ما بپذیرد و چون فرزندم  
پیمان صبور و خوشرو بود، من نیز با خوشرویی

تمام صبر پیشه می‌کنم و بر پروردگارم  
توکل دارم. اما سخن آخرم با راننده ای  
است که پیمانم را زیر گرفت و رفت و  
انسانیت را لگدمال کرد. تو خواهی ماند و  
وجدانی زخمی و بی‌قرار و ما می‌مانیم  
و داغ از دست‌دادن ثمره زندگی مان و  
انسانیتی زنده شده! تو خواهی ماند و آن  
ساعتی که پیکر رشید فرزندم را مجروح؛ خسته  
و زخمی و بی‌کس تنها گذاشتی و رفتی!

من او را به مولایم ابا عبدالله الحسین (ع)  
بخشیدم و توجه خواهی گفت: نمی‌دانم؟ ...  
رحیم حاتمی و لیلیاسوری (پدر و مادر پیمان) بهورزان خانه  
بهداشت اسدآباد رومشگان شهرستان کوههدشت لرستان.

طوری که در یک روز تعداد ۳۲ کامیون نخاله ساختمانی، ۴۳ کامیون زباله، ۳۶ کامیون کود از این روستاها جمع آوری شد و علاوه بر آن مدارس، معابر، آرامستان‌ها و مساجد پاکسازی و جوی‌ها نیز لایروبی شد.

## سوگند نامه بهورزان دانش آموخته دانشگاه پزشکی کاشان

من به عنوان بهورز، در پیشگاه قرآن کریم، به ایزد منان سوگند یاد می‌کنم، اکنون که با عنایت به الطاف بیکران تو، ای خدای مهربانم، دوره بهورزی را به پایان رسانده‌ام و مسؤولیت خدمت به خلق را به عهده گرفته‌ام، همواره خود را وقف مردم عزیز و ارتقای سلامت آنان کنم، از تضییع حقوق بیماران و مردم بهره‌یزم و سلامت و بهبودی آنان را بر منافع مادی و امیال نفسانی خود، مقدم دارم و خود را در مقابل سلامت آنان، مسؤول بدانم.



سوگند یاد می‌کنم نسبت به مربیان دلسوز و کسانی که مرا در این مسیر یاری کرده‌اند، همواره سپاسگزار و قدرشناس باشم و آنان را گرامی بدارم. نسبت به حرفه‌ام وجدان کاری، نسبت به بیماران رازدار و برای دردمندان، حامی باشم با راستگویی، درست کاری و پاکدامنی، نام نیک و شریف بهورز را آوازه و شهره سرزمینم کنم.

هرگز از نیاز مردم به خدماتم رنجور نشوم و خدمت به مردم محروم را یک افتخار و نعمت الهی بدانم.

این پیمان را از روی ایمان و درنهایت آزادی و از خود گذشتگی و به اتکای شرف و وجدان خویش می‌بندم و در این راه از درگاه پروردگارم توفیق می‌طلبم.

## اوج ایثار و فداکاری

در تاریخ ۹۱/۷/۱۴ هنگامی که در منزل نشسته بودم خبری ناگوار، سقف آسمان را بر سرم آوار کرد.

خبر دادند که فرزندم پیمان در تهران تصادف کرده است. با قدی خمیده و دلی پر از امید روانه تهران شدم. اما افسوس زمانی که رسیدم چهره غمگین برادر و سایر اقوام ساکن تهران که به استقبال آمدند حکایت از خبری ناگوار می‌داد. اندک زمانی گذشت

توضیح و اصلاح

در صفحه ۸۲ فصلنامه بهورز بهار سال ۱۳۹۱ با موضوع تزریق ایمن، نحوه نگه‌داشتن کودک در تصویر اشتباه است در تزریق واکسن‌های عضلانی بر روی ران کودک زیر ۲ سال، باید پاهای کودک در بغل مادر مهار شود.

همکارانی که مقالاتشان به دست ما رسیده است (زمستان ۱۳۹۱)

سبزوار: اقدس پرویزی، مریم دادگر نیا، رقیه استاجی  
همدان: زهرا کاظمی، فاطمه قربانزاده، زهرا بوجاری موحد

کردستان: فردین مرادی

آذربایجان شرقی: دکتر سیدرسول هاشمی اقدم، وحید عیوقی راهنا  
آذربایجان غربی: فاطمه عضدی

اصفهان: صدیقه انصاری پور، مریم دهقانی، سجاد احسانی، فاطمه  
اقدامی، زهرا دادخواه، زهرا شاکری، زهرا محمدی، بتول بهرامی،  
رضا سلیمانی، گلشاد اقدامی

چهرم: جلیل جعفریان

هرمزگان: فاطمه پیراسته، فاطمه طهماسب پور

اهواز: دیبا رثوی

بوشهر: فاطمه علی‌مرادی، امید حکیمیان، محمود شیخ، فروردین،  
سلیمه کارونی منفرد، حدیث روزبهانی

زنجان: اعظم لطفی، پروین رجبی، سعید آهنکار، ناصر محمدی، مریم  
رنجبر، مه‌سینا کلانتری، فریده کلانتری، فاطمه رحمانی  
اراک: علی آقائوری، اسدی، مرتجی، غلامرضا ملا احمدی

اردبیل: عزیز فطری

قزوین: محمدرضا رجبعلی، ستاره رجبعلی، حمیدرضا صفری گرمارود  
زاهدان: طاهره سوداگر طرقی

گیلان: دکتر مهرناز جمالی، سیده سکینه حسنی، مهندس فرهاد  
خلیلی، ضیابری، معصومه قنبربقایی، مژگان السادات ایرانی  
رفسنجان: حسین صادقی

دزفول: ملیحه سهرابی، فریده صفاری زاده، ابراهیم یوسفی، مهدی اعلمی  
چارمحال بختیاری: سعید کریمی، میترا محمدی، دکتر محمد خاکسار،  
امیرعلی ناطق، مجید کاظم پور، کوروش احمدی

شیراز: فرحناز فولادبند

لرستان: علی شاهوردی، مهندس محمدجواد صفرزاده، مهندس علی  
باقری، دکتر محسن قیطاسوند، رضا دادگر

قم: زهره کریمی، مهشید شادی پور، محمد گودرزی، جلیل جعفریان

کاشان: ام البنین مشهدی، محبوبه اعلانی

مشهد: فرحناز فرهمندی، احمد علی قربانی، مرضیه وطن خواه، دکتر  
سیدمحمد طاووسی، دکتر حمیدرضا فتحی، مهدی فلاحی

نیشابور: دکتر محمد آذینی، دکتر زهرا خیری، طاهره دشتی، فروغ  
جمشیدی، زهرا شرفی، فاطمه مهرآبادی، دکتر زهره بتوئی، زهره  
عشقی، زهرا مستعلی، عفت قائمی

مازندران: سیدهاشم درواری، مهرانه کاظمیان، سیدتقی هاشمی، بتول کانی

خاطره

بهورزان و دفاع مقدس (جنگ ما را لایق خود کرده بود)

اعظم دینوی زاده، بهورز، دانشگاه علوم پزشکی دزفول

شروع دوره چهارم بهورزی بود. شب قبل، از استرس رفتن به محیط آموزشی جدید نخواهید بودم. بالاخره با دمیدن سپیده صبح به اتفاق پدرم که کارمند بانک بود و به خاطر من مرخصی یک روزه گرفته بود به آموزشگاه بهورزی دزفول که در ده کیلو متری محل سکونت بود، رفتیم. محیط جدید را خوب برانداز کردیم، به نظرم خوب بود و حسی به من می‌گفت موفق می‌شوم. پدرم مرا تحویل مسؤول آموزشگاه داد و من با کمال میل و رغبت وارد کلاس شدم. مشتاقانه به حرف‌های مربی گوش می‌دادیم؛ چه حرف‌های قشنگی از ایمن سازی؛ آمار جمعیت؛ اولین ویزیت خانوار؛ مراقبت از زنان باردار؛ مراقبت کودکان و... می‌زد. زنگ استراحت شد و دوستان با هم برای صرف چای رفتیم، در حین صحبت و معرفی به همدیگر بودیم که صدای انفجار مهیبی به گوش رسید. همه باهم به حیاط آموزشگاه دویدیم؛ یکی می‌گفت منبع آب از بالا افتاده؛ یکی می‌گفت ضدانقلاب بمب گذاشته و... هر کس اظهار نظری می‌کرد. آب، برق و تلفن قطع شده بود و صداهای عجیب و غریب و مهیب، زیاد و زیادتر می‌شد. بوی خاک و باروت به مشام می‌رسید. ترس در قیافه‌ها موج می‌زد. خدا با چه اتفاقی افتاده! مسؤول آموزشگاه به اتفاق یکی از مربیان رفتند و خبر آوردند، عراق به کشورمان حمله کرده است. چه شروع ناخوشایندی بود. برای عده‌ای که در اولین روز درس بهورزی را شروع کرده بودند، عصر نشده بود که بهورزان شاغل به صورت خود جوش به آموزشگاه مراجعه می‌کردند تا چنانچه کمکی از دست‌شان بر آید انجام دهند.

مربی بهداشت محیط آموزشگاه بهورزی دستور داد، همه با هم کوزه‌های موجود که آن موقع برای آموزش کوزه‌گذاری چاه‌ها در آموزشگاه بود را پر آب کنیم. سپس بهورزان پیشکسوت که برای کمک آنجا حضور داشتند به خانه‌هایشان مراجعه کردند و همراه با یک وانت پر از نان تازه گرم به آموزشگاه برگشتند و باکوزه‌های آب به شهر رفتند و بین مردانی که جهت دفاع از کشور عزیزمان به مرزها عزیمت می‌کردند پخش کردند.

شب شد و تاریکی همه جا را فرا گرفت (برق قطع شده بود) با انفجارهای پی‌درپی که هر لحظه زیادتر می‌شد، واقعاً پناهگاهی نداشتیم. مربی بهداشت محیط دستور داد، در گودال‌هایی که جهت کاشتن نهال کنده بودند، پناه بگیریم. نه ما از خانواده‌مان خبر داشتیم نه آنها از ما. سه شب فراموش نشدنی را در آن گودال‌ها با اضطراب و ترس به همراه جانوران موذی و پشه‌ها و قورباغه‌ها سپری کردیم. دستور تعطیلی آمد و از تمام بهورزان درخواست شد به عنوان کمک و امداد به بیمارستان بروند و عده‌ای نیز جهت جنگیدن داوطلبانه به جبهه‌ها اعزام شدند و از خودشان حماسه‌های بی‌سابقه به جا گذاشتند.